



شناخت خدا از طریق شناخت معلول به علت

کلیدواژه: [شناخت خدا](#)، [علم](#)، [معلول](#)، [علت](#)، [معارف](#).

پرسش: در حدیثی در [تحف العقول](#) آمده است: «بِه تَوْصِفُ الصِّفَاتُ لَا بِهَا يُوصَفُ، وَ بِه تُعْرَفُ الْمَعَارِفُ لَا بِهَا يُعْرَفُ، فَذَلِكَ اللَّهُ». در عین حال؛ در حدیث دیگری در همان کتاب و کتب دیگر آمده: «بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَ يُوحَّد». آیا بین این دو حدیث [تعارض](#) و [تنافی](#) نیست؟ زیرا ظاهراً «معارف» و «علم» [متضاد](#) هستند. به هر حال؛ مفاد حدیث اول این است که [خدا](#) بر هر چیز - از جمله بر واسطه‌های شناختی - تقدم دارد. اما در حدیث دوم علم را به عنوان واسطه برای شناخت خدا اثبات می‌کند؟

پاسخ: شناخت خدا یا به مرتبه‌ای از مراتب تجلیات خداوند است که در این نوع شناخت، علم و [معرفت](#) واسطه برای شناخت خداوند قرار می‌گیرند. بنابراین، صحیح است که گفته شود «بالعلم يعرف الله و یوحَّد» و روایت دوم به این نکته اشاره دارد که شناخت ذات و حقیقت خداوند ممکن نیست.

فهرست مندرجات

- ۱ - جمع دو روایت
- ۱.۱ - شناخت به مرتبه‌ای از مراتب تجلیات
- ۱.۲ - شناخت ذات و حقیقت خداوند
- ۲ - شناخت معلول به علت
- ۳ - بانویس
- ۴ - منبع

جمع دو روایت

به نظر می‌رسد در رفع تعارض بین این روایات باید به دو نکته توجه داشت که اولاً شناخت خداوند دارای مراتب است و ثانیاً: شناخت ذات و حقیقت خداوند ممکن نیست.

← شناخت به مرتبه‌ای از مراتب تجلیات

شناخت به مرتبه‌ای از مراتب تجلیات خداوند؛ در این نوع شناخت، علم و [معرفت](#) واسطه برای شناخت خداوند قرار می‌گیرند. بنابراین، صحیح است که گفته شود «بالعلم يعرف الله و یوحَّد».

[۱] [این شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.](#)

← شناخت ذات و حقیقت خداوند

شناخت ذات و حقیقت خداوند؛ از آنجا که شناخت ذات و حقیقت خداوند برای غیر خدا ممکن نیست؛ این مطلب (عدم امکان شناخت ذات خداوند) با بیانات مختلف قابل تبیین است. یکی از آن بیانات این است که «بِه تَوْصِفُ الصِّفَاتُ لَا بِهَا يُوصَفُ، وَ بِه تُعْرَفُ الْمَعَارِفُ لَا بِهَا يُعْرَفُ».

[۲] [این شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۴۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.](#)

بنابراین، تعارضی بین روایات نیست.

شناخت معلول به علت

به بیان دیگر؛ شناخت نسبت به خداوند فقط از طریق شناخت معلول به علت است؛ و شناخت از طریق معلول به علت شناخت ضعیف است؛ زیرا در شناخت از راه معلول فقط چهره‌ای از چهره‌های علت به وسیله معلول شناخته می‌شود، نه تمام حقیقت ذات علت؛ و روایت «بالعلم يعرف الله و یوحَّد»، اشاره به این نوع از شناخت دارد.

البته این نوع از شناخت می‌تواند [مقدمه](#) برای شناخت مراحل بالاتر شود؛ هر چند [شناخت حقیقت ذات خداوند](#) امکان ندارد؛ زیرا این نوع از

شناخت فقط از راه علت به معلول ممکن است؛ و خداوند را نمی‌توان از راه علت شناخت؛ زیرا برای خداوند علتی نمی‌توان فرض کرد؛ بلکه خداوند علت همه اشیاء است. بنابراین، شناخت کُنه و حقیقت ذات اشیاء فقط از طریق شناخت خداوند (هر چند شناخت اجمالی باشد) ممکن است. و روایت «بِهِ تُوصَفُ الصِّقَاتُ لَا بِهَا يُوصَفُ، وَ بِهِ تُعْرَفُ الْمَعَارِفُ لَا بِهَا يُعْرَفُ» اشاره به این نکته دارد.

پانویس

۱. [↑](#) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲. [↑](#) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۴۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

منبع

[بایگاه اسلام کوئست، برگرفته از مقاله «شناخت خدا از طریق شناخت معلول به علت»، تاریخ بازبینی ۱۴/۵/۱۳۹۵.](#)